

تاریخ: ۵۸/۳/۱۱

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان اهواز

بسم الله الرحمن الرحيم

نهضت اسلامی عامل مجتمع شدن همه اقشار

این نهضت بحمد الله تا کنون بسیار ثمر بخش بوده است گرچه مادر او ایمل امر هستیم. این نهضت موجب شد که ما و شما در یک محل مجتمع بشویم و مسائلی که داریم طرح بکنیم. قبل از این یک همچو امری میسور نبود، مادر کنار بودیم و شما در کناری دیگر و سایر اقشار ملت هم متفرق. این نهضت الهی موجب شد که آن متفرقات مجتمع بشوند و آن مطالبی که باید بشنوند و بگویند، با هم در میان بگذارند تا انشاء الله مسائل حل بشود و ما به آن مقصدی که داریم نائل بشویم.

مقصودمان این نبود که فقط محمد رضا برود، مقصد اسلام است. مسائلی زیاد است لکن مهم، الان که ما در بین راه هستیم و به مقصد نرسیدیم، فقط موانع را زرفع کرده ایم و الا مقصد ما بالاتر از این معانی است، مهم این است که نهضت محفوظ باشد. این نهضتی که این قدرت را داشت که یک همچو قدرت شیطانی را در هم شکست و محمد رضا در عین حال که خودش یک قدرت عظیم بود و دنبال او هم همه قدرت ها، همه قدرت هایی که در عالم بودند با او موافق بودند و با ما مخالف، معذک این نهضت چون یک نهضت الهی بود، نه یک نهضت مادیگرائی، نهضت ملی، یک نهضت الهی، یک نهضت اسلامی بود از این جهت پیروز شد و تمام قدرت ها نتوانستند این شیطان را نگه دارند. او رفت و دیگر برگشت ندارد، لکن مساله این نبود که او برود، مساله این بود که دنبال رفتن او قطع ایادی همه قدرتمندها بشود و این هم شده است، البته ریشه هائی دارد و انشاء الله اینها هم از بین خواهند رفت، لکن مساله این هم نبود، مساله اساسی ما این نبود که رژیم سلطنتی برود و قطع ایادی دیگران بشود، اینها همه مقدمه بود برای مساله اساسی ما، او اسلام است. انبیا که جنگ می کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند. آنها مانع بودند، اینها می دیدند که این مانع را باید برداشت و به مقصد رسید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند، مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت

قرآن باشد، حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند منتهی به جنگ می شد و معارضة؛ آنها معارضة می کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می کردند. جنگ ها، جنگ های زیادی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است، همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلی که دارند و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن، همه برای این بوده، به طوری که اگر چنانچه معارض با این نبودند معلوم نبود که جنگ پیش بیاید. معارضة داشتند و نمی گذاشتند که این حکومت تحقق پیدا بکند، جنگ پیش آید. ملت ایران و ما مقصدمان این نیست و نبود که فقط محمد رضا برود، رژیم سلطنتی از بین برود، دست اجانب کوتاه بشود، اینها همه مقدمه بود، مقصد اسلام است.

ما می خواهیم که اسلام حکومت کند در این مملکت، احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند. اگر ما فرض کنیم که حکومت رژیم سلطنتی از بین برود و یک رژیم دیگری بیاید که آن رژیم دیگر، آبادی دیگران هم از او، از مملکت ما قطع شود، یک رژیمی بیاید اما رژیم اسلامی نباشد، برخلاف اسلام باشد، این مقصد ما حاصل نشده. اگر مقصد این بود که محمد رضا برود و دست اجانب قطع بشود، بلیه، اما اگر مقصد اصلی ما این است که اسلام تحقق پیدا بکند، اگر مقصد اصلی ملت ایران این است که جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند، حکومت عدل الهی تحقق پیدا بکند، رفتن آنها همه مقدمه برای این مطلب است.

این اشتباه نشود که ما می خواستیم که او برود، رفت، تمام شد. خیر، تمام نشده است. این مانع از کار بود و چون مانع بود که ما به مقصد برسیم با او معارضة کردیم. او نمی گذاشت که عدل الهی تحقق پیدا بکند، او نمی گذاشت که مملکت ما یک مملکت اسلامی با یک حکومت عادل باشد و محقق بشود این رژیم، از این جهت معارضة شد با او، او رفت. اگر به جای اینکه او رفت یک رژیم دیگری تحقق پیدا کند مثل یک رژیمی که در اروپا هست مثلاً، مثلاً مثل فرانسه ما بخواهیم بشویم که ما رژیم محمد رضا را کنار بگذاریم، یک رژیمی مثل رژیم فرانسه که کاری به اسلام ندارد، اگر اینطور باشد اینهمه خون ریختن ملت ما برای این نبوده است که حالا یک مملکتی باشد، مملکت اسلامی نباشد و لو رژیم سلطنتی هم نباشد. یک رژیم غیر اسلامی خیر. بسیارند رژیم آزاد منشانه، رژیمی که استقلال هم دارد، آزادی هم می دهد اما یک آزادی می دهد که برفق اسلام نیست. احکام، احکام اسلام نیست. رژیم، رژیم اسلام نیست. عدالت اسلامی به آنطوری که در اسلام است نیست، ما همچو چیزی را نمی خواستیم و نمی خواهیم.

ما دنبال تحقق اسلام هستیم، نه اسم اسلام. معنایش این نیست که فقط ما رای به جمهوری اسلامی دادیم دیگر به باقی کارهای دیگر کار نندازیم. جمهوری اسلامی معنایش این است که همه مردم رای بدهند یا اکثریت رای بدهند به اینکه جمهوری لکن احکام، احکام اسلام، جمهوری که در او قانونش

قانون اسلام باشد. اگر یک جمهوری باشد که قانونش قانون اسلام نباشد، این آن نیست که ملت ما می خواهند و رای بر آن دادند. اینهمه خون دادند مردم به اینکه اسلام تحقق پیدا بکند، دنباله کار انبیاست، دنباله کار رسول خداست، دنباله کار امیرالمؤمنین علیه السلام است، دنباله کار سید الشهداء است سیدالشهدا خوش را داده برای همین که اسلام تحقق پیدا بکند، بیزید می خواست اسلام را از بین ببرد. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. ما در هر یک از مواردی که هست، در تمام شؤون مملکت مان می خواهیم که احکام اسلام باشد، قرآن حکومت کند بر ما، قانون اسلام بر ما حکومت کند، هیچ کس دیگر حکومت نداشته باشد و ما الان بین راه هستیم و نرسیده ایم به مقصد.

عمال اجانب چون از اسلام می ترسند، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند از او می ترسند.

مع الاسف می بینید که در اطراف، خصوصاً در اطراف شما، مفسده جوها افتاده اند و می خواهند نگذارند این کار انجام بگیرد. اینها عمال خارجی هستند، اینها اشخاصی نیستند که برای ملت ما بخواهند دلسوز باشند، اینها می خواهند که این جمهوری اسلامی که از آن می ترسند و اربابانشان هم از همین جمهوری اسلامی، از اسم اسلام می ترسند و لهذا عمالشان به این راه افتادند که جمهوری لازم نیست جمهوری اسلامی باشد، خوب، جمهوری باشد، جمهوری ایرانی باشد، جمهوری دموکراتیک باشد. این برای این است که اینها از اسلام می ترسند، از اسلام آن چیزهایی که باید نبینند دیدند، اسلام تو دهنی به آنها زد و بیرونشان کرد از مملکت. اینها از این می ترسند و لهذا کوشش می کنند خودشان و عمالشان که به هر صورت هستند، آنهایی که به هر صورت هستند کوشش می کنند که این کلمه اسلام تو کار نباشد هر چه می خواهد جایش باشد. آنها راضی هستند که هر چه جای کلمه جمهوری اسلامی، هر چه می خواهید بگذارید، اسلام نباشد دیگر هر چه می خواهد باشد.

در مملکت ما روحانی قدرت نداشته باشد و لوی کمونیست قدرت داشته باشد. اینها دنبال این هستند، اینها از روحانی می ترسند و از اسلام می ترسند، چون از اسلام می ترسند، از آن کسانی که مروج اسلام هستند می ترسند. از منبری می ترسند برای اینکه مروج اسلام است، از روحانی و اهل محراب می ترسند برای اینکه مروج اسلام است. چون از اسلام می ترسند هر چیزی که دنباله اسلام باشد، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند از او می ترسند و نمی خواهند او را راه.

ولهذا نغمه اینکه «لازم نیست که اسلام باشد، جمهوری باشد، جمهوری دموکراتیک باشد، لازم نیست که اسلام پهلویش بگذارید، اسلام باشد منهای روحانیت، روحانیت نباشد و لوی اسلام باشد» معنایش این است که اسلام باشد منهای اسلام. اگر روحانیت نباشد، اسلام را هیچ کس نمی تواند نگه دارد. اینها اصلاً نقشه بر این است که اسلام نباشد برای اینکه اینها سیلی خوردند از اسلام احساس کرده اند الان که اسلام است که این پیروزی را حاصل کرده، شهادت است که این پیروزی را حاصل

کرده، شهادت هم حفظ اسلام است، از اول اسلام با شهادت پیش برده، حالا هم که می بینید که جوان های ما شهادت را می خواهند. همین امروز هم که من این بیرون ایستاده بودم یک جوان برومندی فریاد می کرد از آنجا که شما دعا کنید که من شهید بشوم. این حس بود که ما را پیش برد، این حس شهادت بود و این حس جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند و اینها از این می ترسند. از اسلام، اینها می ترسند.

می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند

شما فکری بکنید که این معنای اسلامی، این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، تو دانشگاه وقتی برویم اسلام باشد، تو دادگستری وقتی برویم اسلام باشد، تو وزارت خارجه برویم اسلام باشد، تو ادارات برویم اسلام باشد، تو بازار برویم اسلام باشد، صحرا برویم اسلام باشد، شهر برویم اسلام باشد، کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد شما تا آخر پیروز هستید. با هم باشید همه تان، همه با هم باشید. شما یک نصیب زیادی در این نهضت دارید. می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند برای اینکه بانوان ریختند توی خیابان ها، در صورتی که بانوان بنا بر این نبود که بریزند در خیابان ها. ریختند توی خیابان ها. مردها اگر یک سستی هم احتمال می رفت در آنها باشد، همان معنا آنها را شجاع کرد. مرد وقتی دید زن ها آمده اند مشغول یک عملی هستند، مردها شجاع می شوند. شما بودید این پیروزی را نصیب اسلام کردید و شما سهم زیادی در این پیروزی دارید، این سهم را نگه دارید. این پیروزی که دنبال این بود که همه با هم یک تحول روحانی پیدا کرده بودید، یک تحولی که از عالم غیب شما را متحول کرده بودند، این تحول روحانی را حفظ کنید، وحدت کلمه را حفظ کنید. الان ما بین راه هستیم، ما کار زیاد داریم تا همه احکام اسلام جریان پیدا نکند، ما در راهیم. آنوقتی که همه احکام اسلام جریان پیدا کرد، آنوقت ما رسیدیم به مقصد. مقصد اسلام است. این را حفظ کنید، این وحدت کلمه ای که پیدا شد و این سلامتی که پیدا شد و این تحول روحی که پیدا شد، این را حفظ کنید. انشاء الله تعالی پیروز هستید. خداوند انشاء الله شماها را پیروز کند و شماها را سعادت مند کند و در دنیا و آخرت شما سعید باشید و انشاء الله هستید.

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 والصلوة والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته